

اهمیت راحة الصدور در تصحیح شاهنامه

دکتر یدالله بهمنی مطلق

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی^۱

(ص ۲۲۵-۲۰۹)

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۶/۴

تاریخ پذیرش قطعی: ۸۹/۱۲/۲۰

چکیده

راحة الصدور یکی از آثار برجسته تاریخی - ادبی زبان فارسی است که از شاهنامه بسیار اقتباس کرده است. نقل پانصد و نود و چهار بیت از شاهنامه در موضوعات حکمی و اخلاقی در این کتاب، از یک طرف نشان دهنده عظمت شاهکار فردوسی و از طرف دیگر نشان دهنده علاقه و دلیستگی راوندی به شاهنامه است. راوندی در سراسر کتاب خود از اندرزهای حکیمانه فردوسی سود برد و با این کار، به اثر خود ارزش و اعتبار بخشیده و به دلیل علاقه به شاهنامه و ذوق شاعری اش بر وزن و سبک آن ابیات بسیار ساخته که هر چند صلابت و استواری کلام فردوسی را ندارد، لیکن در پاره ای از موارد جستجوگر را در بازشناسی آن ها به زحمت می اندازد.

ابیات منقول شاهنامه در راحة الصدور آن هم به تصحیح «با نهایت دقت» دکتر محمد اقبال به گفته مجتبی مینوی، به دلیل تقارن زمانی این دو اثر می تواند در تصحیح شاهنامه راهنمای خوبی برای مصححان و شاهنامه شناسان باشد. در این مقاله از این رهگذر که راحة الصدور تا چه میزان می تواند در تصحیح شاهنامه مؤثر باشد، بحث و گفتگو شده و موارد رجحان ابیات متن راحة الصدور در نمونه هایی که آورده ایم با دلایل علمی بیان شده است.

واژه های کلیدی: شاهنامه، راحة الصدور، تأثیرپذیری، تصحیح متن، قدمت واژگان، ویژگیهای سبکی

۱. نشانی پست الکترونیک نویسنده مسئول: yadolah.bahmani@yahoo.com

مقدمه

شاهنامه فردوسی یکی از شاهکارهای ادب فارسی است که از روزگار فردوسی تاکنون مورد توجه بسیاری از ادبیا، مورخین و نویسندهای فارسی زبان بوده و خواهد بود. مورخین ما به گونه‌های مختلف در لایه‌لایی نوشهای خود از آن استفاده کرده و به آثار خود زینت و شکوه بخشیده اند.

«در کتاب تاریخی - ادبی راحة الصدور [که به سال ۵۹۹ (هـ.ق) مقدم بر تمام نسخ موجود شاهنامه^(۱) به نگارش در آمده،] پانصد و نود و چهار بیت از شاهنامه فردوسی درج شده است. موضوع همه آن‌ها حکمت عملی از جمله شکوه و شکایت از روزگار، بیان بی‌وفایی دنیا و ناپایداری آن، پند و اندرزهای مختلف در مسیر زندگی، یاد مرگ، ستایش نیکی، خرد، دادگری، هنر، دانش، راستی و وفاداری، نکوهش بیداد، جهله، کژی، و... است.» (بهمنی مطلق، ۱۳۷۴: ص ۱۹) از تأمل در ابیات مذکور در می‌یابیم راوندی مجموعه‌ای از حکم شاهنامه را گزینش کرده و در راحة الصدور به کار گرفته است؛ زیرا از این پانصد و نود و چهار بیت که تنها سی و نه بیت آن تکراری است، حتی یک بیت در مضامین حماسی نیست. هرگز گمان نمی‌رود راوندی همه این ابیات را در کتاب خود از حافظه استفاده کرده باشد، هر چند به دلیل وجود اندکی دخل و تصرف، معلوم می‌شود ابیاتی را که جنبه مثلى داشته و بسیار پر کاربرد بوده از حافظه کمک گرفته است. برخی از ابیات تکراری نیز که از این نوعند تصرف اندک نویسنده را نشان می‌دهند.

علاوه بر آنچه گذشت، راوندی در برخی از ابیات به مقتضای زمان و متناسب با حال اشخاص مورد نظر، به عمد تغییرات جزئی اعمال کرده است. بقیه ابیات به دلیل پیوستگی، تنوع، کثرت و پراکندگیشان در سراسر شاهنامه بر ما روشن و مسلم می‌دارد که مؤلف در طول نگارش کتاب چنان فرصت و حوصله ای نداشته که کل شاهنامه را از نظر بگذراند تا بیت یا ابیاتی متناسب با موضوع مورد نظر خود را برگزیند. پس مطمئن می‌شویم که چنین گزینشی را از قبل انجام داده و در نگارش راحة الصدور از آن‌ها استفاده کرده است.

فايدة اصلی مطلب مذکور این است که وقتی ابیات از روی نوشهای ثبت شده باشد آن هم در زمانی نزدیک تر از هر نسخه خطی به فردوسی، راهنمای خوبی در تصحیح درست شاهنامه خواهد بود. اما چنان که می‌دانیم فردوسی خود سه نسخه از شاهنامه

فراهم آورده و در هر کدام تجدید نظر هایی نموده است. (صفا، ج ۱، ۱۳۷۲: ۴۷۶ و ۴۷۴) این نکته هرگونه اظهار نظر قطعی در تصحیح شاهنامه را دور از منطق مینماید. ابیات بسیاری در راحه الصّدور به چشم می‌خورد که از فردوسی است ولی در برخی از چاپ‌ها یا نیامده و یا جزء ابیات الحاقی و پاورقی قرار گرفته است. وجود این ابیات در راحه الصّدور که برخی نسخه بدل‌ها نیز آن‌ها را تأیید می‌کند ما را مطمئن می‌سازد که اولاً این ابیات از فردوسی است، ثانیاً باید جزء متن اصلی قرار گیرد و در پاورقی به ذکر نسخی که آن‌ها را ندارند اشاره شود.

در حوزه تصحیح شاهنامه کارهای شایسته و قابل تحسین و مقالات بسیار نوشته شده که در نگارش این مقاله از نظر دور نبوده اند. از جمله چاپ‌های معتبر شاهنامه می‌توان از چاپ مسکو و خالقی مطلق و دکتر جوینی (بر اساس نسخه قدیمی فلورانس) که اغلب ابیات این مقاله با آن‌ها مقابله شده، یاد کرد. البته از مقالات درخور توجه دکتر برات زنجانی، دکتر عزیز الله جوینی، دکتر محمد روشن، دکتر محمد امین ریاحی و آیدین آغداشلو در «نامه بهارستان» نیز بهره برده ام و تلاش‌های ارزنده‌ی پژوهشگران محترم برای اثبات اصالت نسخه فلورانس مرا بر آن داشت تا مجدداً به مقابله برخی ابیات (تاج ۵) با چاپ دکتر جوینی که از روی آن دستنویس است پردازم. نتایج حاصل از این بازبینی در لابه‌لای مقاله آمده است.

اهمیت راحه الصّدور در تصحیح شاهنامه

چنانکه گذشت پانصد و نود و چهار بیت از شاهنامه در راحه الصّدور مورد استفاده قرار گرفته که موارد بسیاری از این ابیات با چاپ خالقی مطلق، مسکو، دبیر سیاقی و جوینی همخوانی دارد. مواردی نیز وجود دارد که به نظر می‌رسد، نویسنده به دلیل استفاده از حافظه، اندکی در آن‌ها تصرف کرده باشد. نمونه‌های بسیار دیگری نیز وجود دارد که با تأیید نسخ بسیاری از شاهنامه، درستی و ترجیح آن‌ها بر چاپ‌های مذکور ثابت و مسلم می‌گردد و همچنین نشان می‌دهد نسخه مورد استفاده راوندی با نسخه فلورانس (قدیمی ترین نسخه موجود) یکی نبوده اما با آن قرابت بسیار دارد. پس قطعاً از این ابیات می‌توان در تصحیح شاهنامه کمک گرفت، لیکن چون تمام موارد و مقابله‌های آنها در حوصله یک مقاله نمی‌گنجد، برای نمونه به ذکر چند مورد بسنده می‌کنیم. گفتنی است به منظور اختصار در این بخش از علایم زیر استفاده شده است:

شهـ د: شاهنامه چاپ دبیرسیاقی. شـ خـ م: شاهنامه چاپ جلال خالقی مطلق.
شهـ مـ حـ: شاهنامه چاپ مسکو به کوشش دکتر حمیدیان که از همه نظر همان
چاپ اصلی مسکو است و بسیاری از ابیات را با آن مقایسه کرده‌اند. شـ جـ: شاهنامه، به
کوشش دکتر عزیز الله جوینی.

در اغلب موارد از نسخه بدلهاي چاپ مسکو نيز استفاده شده که عبارت است از:
ل: نسخه لينينگراد م: نسخه موزه بريتانيا خ: نسخه انتسيتو خاورشناسي شوروی،
شماره يك خ: نسخه انتسيتو خاورشناسي شوروی شماره دو ق: نسخه قاهره

نسخه بدل های چاپ خالقی که در برخی موارد از آن ها عبارت است از:
 ف: فلورانس ل: بریتانیا در لندن مورخ ۶۷۵ لن: لنینگراد ق: دارالکتب قاهره
 مورخ ۷۴۱ ق: قاهره مورخ ۷۹۶ لی: لیدن پ: پاریس و: واتیکان آ: آکسفورد
 ل: آ: بریتانیا در لندن مورخ ۸۹۱ ب: برلین ل: بریتانیا مورخ ۸۴۱ لن: لنینگراد
 مورخ ۸۴۹ س: استانبول

ابیاتی که راوندی از شاهنامه گرفته از بُعد تصحیح شاهنامه چند ویژگی دارد. ما در این مقاله سعی می‌کنیم از زوایای مختلف به دسته بندی و تحلیل آن‌ها بپردازیم.

۱. ابیاتی که در نسخ مختلف شاهنامه یکسان هستند. این ابیات در راحة الصدور نیز بدون تغییر به کار رفته اند. اینک نمونه هایی از این نوع:

۱/۱- کسی را که یزدان کند پادشا
بنازد بدو مردم پارسا

رح: ص ٢٩، س ١٧، شهـ (خ م): ٧٥، ص ٤٦٧، ب ٢٩

شہـ (مـ) : جـ ۸، صـ ۳۱۷، بـ ۲۹ شہـ (دـ) : ۴۲، ۳۰

۱- «یکی داستان زد جهان چون یود نیک بی که مرد حوان دیده که

۱/۳ - به دام آیدش ناسگالیده میشی، یلنگ از بس بیش و صدای بیش

ج: ص ٥٠، س ٢٠-١٩، شهـ(خـ) ١٣٧، ١٥، ص ٦-٧٦٥

شہزادہ (د) : ۶، ۲۴-۲۳، ۱۱۸ ص، ۱، (۲) (۲) شہزادہ (د) : ۶، ۲۴-۲۳، ۱۱۸ ص، ۱، (۲) (۲)

شہزادے: (۱) ص ۲۳۰، ب ۹۸۸-۹

از مگ نفرین بعد که

سے۔ (۳) ج ۲، ص ۱۱۱، ب ۱۱۱، سے۔

۱۱۵- چو دایی له ایدر نمایی درار به تارک چرا بربهی ناج ار

- ر: ص ۶۱، س ۷ شهـ(م ح): ج ۳، ص ۲۰۲، ب ۳۰۷۳
 شهـ(خ م): ۲۵، ص ۴۱۹، ب ۳ شهـ(ج): ج ۵، ص ۳۰۰، ب ۶۷۳
 ۱/۶ - به تخت مهی بر، هر آن کس که داد کند در دل او باشد از داد شاد
 ر: ص ۱۶۹، س ۱۵ شهـ(خ م): ۷۵، ص ۸۹، ب ۲۲
 شهـ(م ح): ج ۸، ص ۵۳، ب ۸ شهـ(د):

۲. ایاتی که به دلیل اختلاف نسخ ارزش تصحیحی قابل توجّهی دارند. برخی از این ایات با چاپ خالقی برابرند. این ایات چاپ خالقی را در بین چاپ های موجود موجّه تر جلوه می دهد.

الف: ایاتی که با چاپ خالقی برابر است

- ۲/۱ - کجا بودنی باشد از کردگار نبایدش نیز از کس آموزگار^۱
 ر: ص ۱۳۰، س ۹ شهـ(خ م): ۴۵، ص ۹۰، ب ۱۴۲۶
 شهـ(د): ۱۳۷ شهـ(م ح): ج ۵، ص ۱۶۶، ب ۱۴۱۶
 ۱ - د: نباید ورا هیچ آموزگار؛ م ح - کل بیت چنین است:
 که آن بودنی بود از کردگار نیامد بدین بد کس آموزگار
 ۲/۲ - تو را نام^۱ باید که ماند دراز نمانی همی کار چندین مساز
 ر: ص ۵۹، س ۲۲ شهـ(خ م): ۳۵، ص ۲۲۶، ب ۱۹۹۴
 شهـ(د): ۱۳۵ شهـ(م ح): ج ۴، ص ۲۴۱، ب ۵۰۹
 ۱ - م ح: همی نام؛ ق مرا؛ ل، خ ۱، خ ۲: ترا، متن ترجیح دارد به دو دلیل: الف-
 ضمیر «ی» در نمانی «ترا» تأیید می کند، ب- همی در مصراع دوم هم آمده و تکرار آن نشانه ضعف تأییف خواهد بود.

- ۲/۳ - هر آن کس که زايد ببایدش مرد اگر شهریارست اگر مرد^۱ خرد
 ر: ص ۶۱ س ۱۱ شهـ(خ م): ۶۵، ص ۱۲۰، ب ۱۷۶۹
 شهـ(د): ۲۰ شهـ(م ح): ج ۷، ص ۱۰۴، ب ۱۷۶۸
 ۱ - م ح: گر
 ۲/۴ - خرد چون یکی^۱ خلعت ایزدیست از^۳ اندیشه دورست و دور از بدیست
 ر: ص ۱۵۵ س ۵ شهـ(خ م): ۷۵، ص ۲۹۴، ب ۳۵۳۳
 شهـ(د): ۴۱ شهـ(م ح): ج ۸، ص ۱۹۹، ب ۲۴۹۸
 ۱ - م ح: خرد مرد را؛ ل، خ ۱، خ ۲: خود یکی. ۲ - م ح: ز.

- ۲/۵- نگه کن بدین کار گردنده دهر هر^۱ آن را که از خویشتن کرد بهر
 ۲/۶- برآرد گل تازه از خار خشک شود خاک با^۲ بخت بیدار مشک
 رح: ص ۱۶۵، س ۲-۱ شهـ(خ) ۱۴۶۹، ص ۹۳ ب ۱۴۶۸ و ۱۴۶۹
 شهـ(د) ۱۴۵۸-۱۴۵۷ شهـ(م) ۱۴۷۶-۷۷، ص ۱۶۸، ب ۱۴۵۷-۱۴۵۸
 ۱- ۵، م ح: مر ۲- ۵: خاکش از
- درمورد (۱) اگر چه «مر» نشان دهنده کهنه‌گی زبان است لیکن «هر» بر کلیت دلالت دارد که با توجه به چاپ خالقی درست‌تر به نظر می‌رسد. درمورد (۲) نیز چاپ مسکو و خالقی متن را تأیید می‌کند و تردیدی باقی نمی‌گذارد.
- ۲/۷- که این روزگار خوشی بگذرد زمانه نفس را^۱ همی بشمرد
 ۲/۸- چنینست گیهان پر از^۲ درد و رنج چه نازی^۳ به تاج و چه یازی به گنج
 رح: ص ۲۹۷، س ۳-۲ شهـ(خ) ۱۳۹، ص ۷۵ و ۷۴۷، ب ۱۴۳ و ۱۴۳
 شهـ(د) ۱۴۷، ۴۲ و ۱۴۶ شهـ(م) ۱۴۶، ص ۸، ب ۳۲۳، ب ۱۴۰، ۱۳۹
 ۱- ۵: دم ما ۲- م ح: همه‌هق، خ ۱، خ ۲: پر از؛ د: «از» ندارد. ۳- م ح: یازی؛ خ م: نازی.
 ۲/۹- به کاری مکن نیز فرمان^۱ زن که هرگز نبینی زنی رایزن
 رح: ص ۳۳۶، س ۲۲ شهـ(د) ۱۵، ۲۵۴۶
 شهـ(م) ۶، ص ۲۱۸، ب ۴۰ شهـ(خ) ۲۴، ص ۲۹۵، ب ۵۵
 ۱- م ح: مکن هیچ کاری به فرمان؛ ق، ل، خ ۲: به کاری مکن نیز فرمان ... درستی متن روشن و واضح است. «نیز» در اینجا به معنی «هرگز» است. (نوشین، ۱۳۶۹: ۳۳۶)
 ۲/۱۰- گرامی‌تر از خون دل چیز نیست خردمند^۱ فرزند با دل یکیست
 رح: ص ۳۷۶، س ۵ شهـ(خ) ۲۰۸۵، ص ۲۶۰، ب ۷۵
 شهـ(م) ۸، ص ۱۷۴، ب ۲۰۶۲ شهـ(د) ۴۱، ۲۱۳۷
 ۱- م ح: هنرمند؛ م، خ ۱، ل، خ ۲: خردمند. متن با چاپ خالقی کاملاً برابر است.

- ب- ابیاتی که با چاپ خالقی متفاوت است اما از جهاتی رجحان دارد:
- ۲/۱- اگر ماند ایدر ز تو نام زشت نه خوش روز یابی نه^۱ خرم بهشت
 رح: ص ۵۹، س ۲۰ شهـ(خ) ۱۹۰۱، ص ۱۲۸، ب ۶۵
 شهـ(د) ۲۰، ۱۹۹۸ شهـ(م) ۷، ص ۱۱۱، ب ۱۸۹۹
 ۱- م ح: بدانجا نیابی تو؛ خ م: نیابی - عفا الله-

با وجود نهایت دقّتی که در چاپ خالقی لاحظ شده، آیا می‌توان پذیرفت فردوسی از جمله معتبرضه عربی استفاده کرده باشد؟!

۲/۲- بمیرد هر آنکو^۱ ز مادر بزاد به داد ملک دل بباید نهاد^۲

شـهـ(مـ)ـ(حـ)ـ(جـ)ـ(۷ـ)ـ(۲۸۷ـ)ـ(۲۱۴ـ)ـ(بـ)ـ(۱۰ـ)ـ(سـ)ـ(۶۶ـ)ـ(رـ)ـ

شـهـ(خـ)ـ(مـ)ـ(دـ)ـ(۳۲۹ـ)ـ(۱۱ـ)ـ(بـ)ـ(۴۱۰ـ)

۱- خـ، مـ حـ: کـسـیـ کـوـ؛ خـ۲- هـرـ آـنـکـوـ ۲- خـ، مـ حـ: زـهـشـ چـونـ سـتـمـ بـیـنـمـ وـ مـرـگـ
دادـ، خـ۲ـ: بهـ دـادـ خـداـ دـلـ بـبـایـدـ نـهـادـ

هر چند از نظر سبکی (خـ مـ وـ مـ حـ) زبان کـهـنـهـ تـرـیـ رـاـ نـشـانـ مـیدـهـنـدـ لـیـکـنـ مـضـمـونـ
مـتنـ، باـ اـبـیـاتـ دـیـگـرـ شـاهـنـامـهـ تـأـیـیدـ مـیـ شـودـ:

اـگـرـ مـرـگـ دـادـ اـسـتـ بـیدـادـ چـیـسـتـ؟ زـ دـادـ اـیـنـ هـمـهـ بـانـگـ وـ فـرـیـادـ چـیـسـتـ؟

(شـهـ(جـ)ـ(۳ـ)ـ(۴۶۰ـ)ـ(بـ)ـ(۳ـ)

۲/۳- نـزـاـيـدـ جـزـ اـزـ^۱ مـرـگـ رـاـ جـانـورـ اـگـرـ مـرـدـ خـواـهـیـ^۲ غـمـ مـنـ مـخـورـ

شـهـ(مـ)ـ(حـ)ـ(جـ)ـ(۸ـ)ـ(۱۰۷ـ)ـ(۹۳۵ـ)ـ(۱۷ـ)ـ(سـ)ـ(۹۱ـ)ـ(رـ)ـ

شـهـ(خـ)ـ(مـ)ـ(دـ)ـ(۱۶۳ـ)ـ(۹۴۹ـ)ـ(۷۵۴ـ)ـ(۴۱ـ)ـ(شـهـ)

۱- دـ: بـجـزـ ۲- خـ، مـ حـ: اـگـرـ مـرـگـ دـانـیـ؛ قـ، خـ۲ـ: مـرـدـ خـواـهـیـ.

از آنجـاـ کـهـ اـيـنـ مـتـنـ مـقـدـمـ بـرـ دـيـگـرـ نـسـخـ مـوـجـودـ شـاهـنـامـهـ اـسـتـ وـ بـرـخـیـ اـزـ نـسـخـهـ هـاـ هـمـ
آـنـ رـاـ تـأـیـیدـ مـیـ کـنـدـ، مـیـ تـوـانـ آـنـ رـاـ مـرـجـحـ دـانـیـ. مـفـهـومـ هـرـ دـوـ مـوـرـدـ مـبـهـمـ اـسـتـ.

۲/۴- چـنـیـنـ^۱ دـاـسـتـانـ زـدـ یـکـیـ مـرـدـ پـیـرـ کـهـ گـرـ شـادـیـ اـزـ مـرـگـ مـنـ، توـ^۲ مـمـیـرـ

شـهـ(خـ)ـ(مـ)ـ(۱۴۷ـ)ـ(۷۶۶ـ)ـ(۹۱ـ)ـ(۱۹ـ)ـ(رـ)ـ

شـهـ(مـ)ـ(حـ)ـ(جـ)ـ(۸ـ)ـ(۹۶ـ)ـ(۷۵۳ـ)ـ(۴۱ـ)ـ(شـهـ)

۱- دـ: بـدـیـنـ؛ خـ، مـ حـ: بـرـیـنـ

۲- خـ، مـ حـ: «هـرـگـزـ» بـهـ جـایـ «مـنـ، توـ»؛ لـ، خـ۱ـ، خـ۲ـ: «مـنـ، توـ»؛ هـمـچـنـیـنـ کـ، لـ۲ـ
(نـیـزـ لـنـ، پـ، لـنـ۲ـ، بـ).

از نـظـرـ مـفـهـومـ (خـ مـ وـ مـ حـ) نـادـرـسـتـ اـسـتـ، زـیـرـاـ شـادـ بـودـنـ اـزـ مـرـگـ (بـطـورـ کـلـیـ) رـبـطـیـ
بـهـ نـمـرـدـ نـدـارـدـ، اـمـاـ شـادـ بـودـنـ اـزـ مـرـگـ دـیـگـرـانـ بـاـ نـمـرـدـ مـنـاسـبـتـ دـارـدـ.

۲/۵- «اـیـاـ آـزـمـونـ رـاـ نـهـادـ دـوـ چـشمـ^۱ گـهـیـ شـادـمـانـیـ گـهـیـ پـرـ زـ خـشـمـ^۲

۲/۶- چـنـیـنـ بـودـ تـاـ بـودـ دـوـ زـمـانـ

۲/۷- شـگـفـتـ اـنـدـرـ اـیـنـ گـنـبـدـ تـیـزـگـرـدـ

شـهـ(مـ)ـ(۱۳۸ـ)ـ(۸۴ـ)ـ(۸۶ـ)ـ(۸۵ـ)ـ(۱۴۸ـ)ـ(۱۹ـ)ـ(۱۷ـ)ـ(سـ)ـ(۱۴۸ـ)

شـ~(م ح): ج ۵، ص ۲۳۹ و ۲۴۰، ب ۸۰، ۸۲، ۸۴

شـ~(خ م): ۴۵، ص ۱۷۴ و ۱۷۵، ب ۷۸ و ۸۰ و ۷۹

۱- م ح: گهی درد و خشم؛ خ م: و گاهی به خشم؛ س، پ، و، لن: گهی پر ز خشم.

۲- ۵، م ح: به نوی ۳- د: تیز رو، م ح: لازورد ۴- م ح: بماند.

۵- د: بماند همی دل پر از رنج تو.

در این مورد متن به چاپ خالقی بسیار نزدیک است و تنها مورد اختلافی را هم نسخه بدلها تأیید می کند. احتمال این که اصلاحات از خود فردوسی باشد، بعید نیست.

۲/۸- هر آن دیو کاید زبانش فراز^۱ به گفتار گردد زبانش دراز^۲

شـ~(خ م): ۸۵، ص ۱۹، ب ۲۱۷ رح: ص ۲۴۲، س ۱۶

شـ~(م ح): ج ۹، ۲۴، ب ۲۳۹ شـ~(د): ۴۳، ۲۶۰

۱- خ م: دراز؛ احتمالاً اشتباه چاپی است چون تکرار قافیه عیب آشکار است از طرف دیگر اشکال معنایی هم دارد. «فراز» از اضداد است در اینجا به معنی پایان. از نظر مفهوم متن کاملاً درست است. سعدی نیز گفته است: «هر که دست از جان بشوید، هر چه در دل دارد بگوید» (یوسفی، ۱۳۷۴: ۵۸) ۲- ۵، خ م، م ح: زبانش به گفتار گردد دراز.

۲/۹- «کسی را که خون ریختن پیشه گشت دل دشمن از وی پر^۱ اندیشه گشت

۲/۱۰- بریزند خونش بدان^۲ هم نشان که او ریخت خون سر سرکشان»

رح: ص ۳۵۲، س ۲-۳ شـ~(م ح): ج ۸، ص ۳۸۳، ب ۱۱۴۱-۱۱۴۲ رح: ص ۱۱۴۲-۱۱۴۱

شـ~(خ م): ۷۵، ص ۵۶۱، ب ۱۱۴۸-۱۱۴۹

۱- م ح: دل دشمنان پر ز؛ ق، ل، خ ۲- دل دشمن از وی پر. درستی متن در این مورد کاملاً روشن است. ۲- ۵، خ م، م ح: بران. ک: بدان. به علت قرابت املایی ممکن است در هنگام استنساخ اشتباهی صورت گرفته باشد. البته این اختلافات نه ایجاد مشکل می کند نه حل مشکل.

۲/۱۱- چه ساری که^۱ چاره به دست تو نیست اگر سازی ار نه جهان را یکیست^۲

رح: ص ۳۶۲، س ۲۱ شـ~(د): ۱۲d، ۲۷۷۵

شـ~(خ م): ۲۵، ص ۳۶۸، ب ۲۴۱۰ شـ~(م ح): ج ۳، ص ۱۶۰، ب ۲۴۶۵

شـ~(ج): ج ۵، ص ۱۹۳، ب ۴۳

۱- ج: چو ۲- ۵، م ح: درازست در کام (د: و در دام) شست تو نیست؛ خ م، ج: دراز است ماه، اورمزدت یکیست.

متن راحة الصّدور قابل فهم و روشن است اما با هیچ یک از نسخ تأیید نمی‌شود. آقای خالقی نیز جلوی این مصراع علامت سؤال گذاشته است، یعنی این که مفهوم روشن نیست. آیا می‌توان متن راحه الصّدور را با توجه به معنی، پایه تصحیح چنین مواردی قرار داد؟

۳- ابیاتی که از جهاتی بر سایر نسخ ترجیح دارد:

- که با شد خردمند همداستان
ز^۲ منزل مکن جایگاه نشست
یکی شد^۳ کهن دیگر آرند نو
زمانی به منزل چمد یا^۴ چرد»
- ۳/۱- «سزد گر بگویم یکی داستان
۳/۲- مسای^۱ ایچ با آز و با کینه دست
۳/۳- سرای سینجست پر آی و رو^۳
۳/۴- یکی اندر آید دگر بگذرد
- رح: ص ۱۰۱، س ۱۰-۷ شهـ (د): ۴۳، ۳۹۴۵ و ۳۹۴۷ و ۳۹۴۹-۳۹۴۶ شهـ (خ): ۸۵، ۲۹۵، ب ۳۸۰۶ و ۳۸۰۲ و ۳۸۰۴-۳۸۰۴
- شـ (م ح): ج ۹، ص ۲۳۵، ب ۳۷۷۵ و ۳۷۷۹-۳۷۷۷ شـ (م ح): ج ۹، ص ۲۳۵ و ۳۷۷۵ و ۳۷۷۹-۳۷۷۷
- ۱- د: مساو؛ م ح: مساو؛ ل، خ: مساو ۲- د: به
۳- د: بر راه رو؛ م ح: با راه و رو؛ ل، خ: پر آی و رو.
- به نظر می‌رسد که متن با تأیید نسخه‌های ل، خ ۱ از نظر معنایی ترجیح دارد.
- ۴- د، م ح، خ: تو گردی ۵- م ح، خ: گر؛ س، ق، ک، س ۲ (نیز لن، ق ۲، لی، پ، لن ۲، آ، ب): یا. این مورد از نظر قدمت واژه با توجه به اینکه «گر» به معنی «یا» در شاهنامه فراوان به کار رفته، بر متن ترجیح دارد.
- ۳/۵- «یکی را همه بهره شهدست و قند تـن آسانی و ناز و تخت^۱ بلند
۳/۶- یکی را همه رفتن اندر و ریب^۲ گـهـی بر^۳ فراز و گـهـی در نشیب
۳/۷- چـنـین پـرـوـرـانـدـ هـمـیـ رـوـزـگـارـ فـزـونـ آـمـدـ اـزـ رـنـگـ گـلـ رـنـجـ خـارـ
۳/۸- نـیـابـیـمـ بـرـ چـرـخـ گـرـدـنـدـ رـاهـ نـهـ بـرـ دـامـ دـامـ خـورـشـیدـ وـ مـاهـ
۳/۹- جـهـانـدـارـ اـگـرـ چـنـدـ کـوـشـدـ بـهـ رـنـجـ نـیـازـدـ^۴ بـهـ کـینـ وـ بـنـازـدـ^۵ بـهـ گـنـجـ
۳/۱۰- هـمـشـ رـفـتـ بـایـدـ^۶ بـهـ دـیـگـرـ سـرـایـ هـمـهـ کـوـشـشـ مـانـدـ بـایـدـ بـهـ جـایـ^۷؟ـ
۳/۱۱- چـنـیـنـیـتـ رـسـمـ سـرـایـ سـپـنـجـ بـدـانـ کـوـشـ تـاـ دورـ مـانـیـ زـرـنـجـ»
- رح: ص ۱۴۹، س ۱۴۹ شـ (د): ۱۳۸ و ۹۰-۸۸ و ۹۷-۹۵ و ۹۰ و ۱۰۱ و ۹۷-۹۵ و ۹۰-۸۸ و ۹۷-۹۵ و ۹۰ و ۹۷-۹۱ و ۸۶ و ۸۵ و ۸۳ و ۸۲ و ۸۱ و ۱۷۶ و ۱۷۵ و ۴۵، ص ۴۵ شـ (خ): ج ۵، ص ۲۴۰-۲۳۹، ب ۸۳ و ۸۵ و ۸۶ و ۹۳-۹۱ و ۹۷ شـ (م ح): ج ۵، ص ۲۳۹، ب ۸۳ و ۸۵ و ۸۶ و ۹۳-۹۱ و ۹۷ شـ (خ): م ح: ۴۵، ص ۴۵

۱- خ م، م ح: بخت؛ ف، ق (نیز لی، ل^۳) ک: تخت ۲- ک، د: فریب؛ م ح: نهیب. ۳- م ح: در؛ خ م: گه اندر فراز و گه اندر؛ ل، ق، ل^۲= متن. ۴- م ح: نه بر کار دادار. ۵- م ح: بنازد، خ م: بیازد. ۶- ک: ننازد. ۷- د: رفتن آید. ۸- ک، د: بماند همی کوشش او به جای؛ خ م، م ح: بماند همی کوشش ایدر بجای. این مورد را که وزن نیز نادرست است باید از کوتاهی مصحح راحة الصدور دانست؛ در بقیه موارد جایی برای تردید وجود ندارد.

۴. ابیاتی که نشان می‌دهد نسخه مورد استفاده راوندی با چاپ‌های معتبر متفاوت است:

- ۴/۱- «کسی را که دانش^۱ بود توشه برد بمیرد تنش نام هرگز نمرد^۲
 ۴/۲- همه تن به تن^۳ دست نیکی برید^۴ جهان جهان را به بد مسپرید^۵
 رح: ص ۱۷۰، س ۲-۲ شهـ(خ) (م): ۷۵، ص ۵۳ و ۵۲، ب ۲۰ و ۲۱
 شهـ(م) (ح): ج ۸، ص ۳۰، ب ۲۱-۲۰ شهـ(د): ۴۰، ۲۰ و ۲۱-۲۰
 ۱- خ م: همان را که بخشش.
 ۲- م ح: هر آن کس که بخشش کند با کسی بمیرد تنش نام ماند بسی
 ق، ل، خ، ۲: هر آن را که (خ^۲: کسی را که) دانش بود توشه برد؛ د: مر آن را ...؛
 ق، ل، خ، ۲: بمیرد تنش نام هرگز نمرد. ۳- د، خ م، م ح: سر به سر؛ خ^۲: تن به تن
 ۴- خ م: نسپرید.

۵. ابیاتی که در آن ها تناسب‌های لفظی، قواعد دستوری و زبانی مؤید درستی متن راحة الصدور است:

- ۵/۱- «کمان دار دل را زبان را^۱ جو تیر تو این داستان از^۲ من آسان مگیر
 ۵/۲- گشادت به زه باید^۳ و دست راست نشانه بنه زان نشان کت هواست^۴
 رح: ص ۲۸۵، س ۱ و ۲۸۴، س ۱۵ شهـ(م) (ح): ج ۷، ص ۲۰۵، ب ۷۶-۷۵
 شهـ(خ) (م): د۶، ص ۲۵۹، ب ۷۱ و ۷۲ شهـ(د): ۷۲ و ۷۵
 ۱- د، خ م، م ح: زبانت، در این مورد با توجه به این که «دل و زبان» نقش دستوری یکسان دارند بهتر آن است که به یک شکل به کار روند، مثلاً اگر مورد اول مفعول است و با «را» آمده است، مورد دوم هم که همان نقش را دارد بهتر است حتی الامکان با «را» آورده شود. ۲- د، خ م: «از» ندارد؛ م ح: تو این گفته‌های؛ ق، ل، خ ۱، خ^۲: داستان.

۳- د: گشاده برت باشد و ؛ خ^۳، م ح: گشاد برت باشد و ...
در مورد ۳ می‌توان گفت اصح متن راحة الصّدور است چون زه با کمان رابطه
مراعات النظیر دارد.

- ۵/۳- «همیشه خردمند^۱ امیدوار
نبیند بجز^۲ شادی از^۳ روزگار
- ۵/۴- نیندیشد از راه^۴ بد یک زمان
ره تیر^۵ گیرد نه راه^۶ کمان»
- ۲۵۰-۳-۴ شهـ(خ م): ۷۵، ص ۲۹۳، ب ۱۲-۱۱، س ۳۴۲ رح: ص
- شهـ(د): ۴۱، ۴۱، ۲۵۵۴-۵۵ شهـ(م ح): ج ۸، ص ۱۹۷، ب ۷۰-۲۴۶۹
- ۱- خ م ح: «و» افزون دارد؛ ل، خ ۱: «و» ندارد. همچنین س، ک، س ۲.
- ۲- خ م ح: «جز از»؛ ل، خ ۱، خ ۲: بجز؛ همچنین ق، (لن، ب، و، لن ۲، آ)
- ۳- م ح: «از» ندارد. ۴-۵ د، خ م ح: کار. ۵- م ح: راست.
- ۶- خ م ح: نگیرد؛ خ ۲- به راه؛ ل ۲ (پ، و): نه راه.

اگر تناسب و تشبیه را که از تکنیک‌های رایج ادبی هستند بتوان مبنای تصحیح
قرار داد، متن راحة الصّدور مخصوصاً در مورد ۵ و ۶ مرجح است.

۶. ابیاتی که قدمت واژگان و ویژگی‌های خاص سبکی متن راحة الصّدور یا نسخه‌ای
دیگر را موجّه تر نشان می‌دهد:

- ۶/۱- تو با دشمنت رخ^۱ پر آزنگ دار
بداندیش را چهره بی‌رنگ دار
- ۶/۲ شهـ(خ م): ۶۰ ص ۲۶۰، ب ۱۸ رح: ص ۳۶۷، س ۱۸
- شهـ(د): ۲۴، ۲۴ شهـ(م ح): ج ۷، ص ۲۰۵، ب ۸۴
- ۱- م ح: رو؛ ل، خ ۱، خ ۲- رخ. متن از نظر قدمت واژگان ترجیح دارد. قرار گرفتن
«رو» در کنار «آزنگ» که یک واژه کاملاً قدیمی است ما را در ترجیح واژه «رخ» کمک
می‌کند. البته چاپ خالقی نیز آن را تأیید می‌کند.

- ۶/۲- «پرستنده گر یابد از شاه رنج
- ۶/۳- چو از نعمتش^۲ بهره یابی بکوش
- ۶/۴- به فرمان شاهان نباید^۳ درنگ
- رح: ص ۳۹۱، س ۲۲-۱۹ شهـ(خ م): ۷۵، ص ۲۱۶، ب ۱۵۳۱ و ۱۵۲۸ و ۱۵۱۹
- شهـ(د): ۴۱، ۱۵۸۲ و ۱۵۷۹ و ۱۵۷۰

شــ(م ح): ج ۸، ص ۱۴۳، ب ۱۵۱۴ و ۱۵۱۱ و ۱۵۰۲

۱- خ، م ح: نامست؛ (پ): نازست. ۲- خ: بخشش؛ ل، س، ک (نیز لن، لی، ل، لن، ۲، ب): نعمتش. خالقی در برابر «نعمتش» از نسخه بدل‌ها علامت سؤال گذاشته اند در حالی که متن ایشان اشکال وزنی دارد. البته برای هیچ مصححی این نکته به راحتی پذیرفته نمی‌شود که فردوسی با تمام تسلطش به زبان فارسی به جای «بخشش» از «نعمت» استفاده کرده باشد. عجیب‌هم این است که اغلب نسخ آن را آورده‌اند.

۳- م ح: نباید به فرمان شاهان ۴- خ، م ح: باشد.

۷. ایاتی که جایگاه نسخه فلورانس را نشان می‌دهد:

۷/۱- «تسو را داد فرزند را هم دهد درختی که از^۱ بیخ تو بر جهد
۷/۲- کمی نیست در بخشش دادگر فرونی بخور درد و^۲ اندوه مخور»
رح: ص ۳۷۶، س ۱۴-۱۳ شــ(خ م): ۲۵، ص ۴۷۰ و ۶۹۹ و ۲۰۱
شــ(د): ۱۶۱۳، ۱۶۱۵ و ۱۶۱۳ شــ(م ح): ج ۳، ص ۲۵۰، ب ۷۵ و ۳۷۷۳
شــ(ج): ج ۵، ص ۴۲۱، ۱۳۷۲ و پاورقی ش ۲ به نقل از چاپ مسکو.
۱- د: همان شاخ کز ۲- د: همی شاد آرای؛ م ح- فزونی بخور دست. خ م: فزونی
نیابی تو، ل، س ۲: فزونی بخور درد و بیت اول با «ف» برابر است اما بیت دوم در (ف)
نیامده، با توجه به تقدّم راحة الصّدور بر نسخ شاهنامه و پیوستگی این بیت با ایات
پیشین در راحة الصّدور، نشان می‌دهد که اولاً ایاتی از این دست از فردوسی است. ثانیاً
نسخه مورد استفاده راوندی با نسخه اساس فلورانس یکی نیست و یا این که نسخه بردار
بیتی را از قلم انداخته است.

۷/۳- کسی کو به رنج درم^۱ ننگرد همه روز او بر خوشی بگذرد
رح: ص ۳۹۳، س ۹ شــ(خ م): ۳۵، ص ۳۹۷، حاشیه ۱۲
شــ(د): ۱۳۵۶، ۱۳۵، حاشیه، ش ۹ شــ(م ح): ج ۵، ص ۸۵، حاشیه، ش ۹

۱- د، م ح، [ل]: به گنج و درم
این بیت در (ف) نیامده، اما در (و، لن، پ، ب، و) آمده است و همانند بیت ۷/۲ نشان
می‌دهد که نسخه‌ی فلورانس با نسخه مورد استفاده راوندی یکی نبوده است.

۸. ابیاتی که در راحة الصّدور مکرّر استفاده شده‌اند:

برخی ابیات شاهنامه در راحة الصّدور مکرّر استفاده شده‌است. این ابیات دو گونه‌اند: ۱- ابیات مشهور و معروف که به صورت ضربالمثل درآمده‌اند. این ابیات به دلیل اندک اختلافی که در آن‌ها دیده می‌شود نشان می‌دهد که نویسنده در نقل آن‌ها در پاره‌ای از موارد از حافظه استفاده کرده و همین امر باعث بروز اندک اختلاف در آن‌ها گردیده است. ۲- ابیاتی که کم کاربرد هستند و از حافظه استفاده نشده‌اند. این ابیات در جاهای مختلف بدون تغییر آمده‌اند.

الف- تکراری بدون اختلاف:

۸/۱- ز گیتی ستایش بماند^۱ بس است که تاج و کمر^۲ بهر دیگر کس است^۳
ر: ص ۴۱، س ۱۹ شهـ (م)؛ ج ۷، ص ۳۶۷ شهـ (م)؛ د ۶۴، ص ۵۱۰، ب ۱۲۶۵
شهـ (د): پیدا نشد.

این بیت در ص ۵۹، س ۲۱، رح بدون تغییر آمده است.

۱- م ح: به ما ب؛ ق، ل، خ ۲: بماند
۲- م ح: که گنج درم؛ ق، ل، خ ۱، خ ۲: تاج و کمر
۳- خ: به گیتی ستایش بماند بس که تاج و کمر خود نماند به کس
در مورد این بیت و ابیاتی نظیر این دو نکته به نظر می‌رسد: اول این که صورت درست‌تر همان است که در راحة الصّدور آمده، چون بسیاری از نسخه‌ها آن را تأیید می‌کند، دوّم این که باید بپذیریم هر دو صورت از آن خود فردوسی است، زیرا چنان که گذشت فردوسی خود سه نسخه از شاهنامه ترتیب داده و در هر کدام تغییرات جزئی اعمال نموده است. لحن متن راحة الصّدور تعلیمی و لحن چاپ خالقی حماسی است. از طرف دیگر تکرار آن در راحة الصّدور بدون تغییر مؤید آن است که از روی نسخه‌ای یاد داشت شده است.

۸/۲- «سزد گر بگویم یکی داستان
۸/۳- مسای ایچ با آز و با کینه دست
۸/۴- سرای سینجست پرآی و رو
۸/۵- یکی اندر آید دگر بگزد
ر: ص ۱۰۱، س ۱۰-۷ (تکراری رجوع شود به ص ۹ همین مقاله)

تکرار این ابیات این نکته را ثابت می‌کند که مؤلف ابیات را از روی یادداشتی استفاده کرده و ما را در صحّت متن امیدوارتر می‌کند.

ب- تکراری اختلافی

۸/۱- «درختی که کاری [چو] آید^۱ بیار ببینی بسویژه^۲ برش بر^۳ کnar
۸/۲- گرش^۴ بار خارست خود کشتهای و گر پرنیانست خود رشتهای»
رح: ص ۳۳۵، س ۲۲-۲۱ شهـ(خ) ۱۵۱، ب ۹۹۲-۹۹۳ شهـ(خ) ۱۲۹، ب ۸۳۴-۸۳۵ شهـ(م) ۱۱۴۵، ج ۱، ص ۱۲۹ شهـ(م) ۱۰۱۷-۱۸، ب ۲۵۹ شهـ(ج) ۱۰۱۷-۱۸ (تکراری، رح: ص ۳۸۸، س ۲-۳)
۱- خ، م، ح، ج: پروردی آمد؛ رح، ص ۳۸۸: پروردی. د: بنشنادی آمد ۲- د، م، ح: بیابی هم اکنون؛ خ ۱: ببینی؛ ج: ببینی برش هم کنون در.
۳- د، م، ح: در؛ خ، م: ببینی برش را کنون در ۴- م، ح: اگر؛ ل، خ ۲: گرش در سه مورد اول احتمال تصرّف وجود دارد. تکرار آن‌ها نشان می‌دهد که در مورد اول در چاپ راحة الصّدور بی‌دقّتی شده، چون مصحّح از خود «چو» افزوده است. امّا متن ص ۳۸۸ دقّت بیشتری را نشان می‌دهد.

۹. ابیاتی که در چاپ‌های شاهنامه الحاقی است، اما وجود آن‌ها در راحة الصّدور اصالت آنها را اثبات می‌کند:

۹/۱- ز خورشید و ز باد و ز آب و خاک نگردد تبه نام و گفتار پاک رح: ص ۵۹ س ۱۷ شهـ(م) ۴۱، ۲۴۴۸ شهـ(خ) ۷۵، ب ۲۸۸ شهـ(م) ۱۷۰، ص ۷۵ شهـ(خ) ۱۹۴، ج ۸ آمده که فقط «ق، ل، خ ۱» این بیت را داشته‌اند.
با توجه به متن راحة الصّدور و چند نسخه از شاهنامه ثابت می‌شود که این بیت از شاهنامه است و در چاپ‌های شاهنامه نیز بهتر است جزء اصل متن آورده شود و تنها در حاشیه به ذکر نسخه‌هایی که این بیت را نداشته‌اند اشاره شود.

۹/۲- چه گفت آن خردمند پاکیزه مغز کجا داستان زد ز گفتار^۱ نفرز
۹/۳- که شیرین‌تر از جان^۲ فرزند و چیز همانا که دیگر نباشند نیز

- رح: ص ۱۷۸، س ۸-۷
شـ(خـ) ۱۵، ص ۹۴، ب ۷۷ و ۸۱
- شـ(دـ) ۶، ۸۳ و ۸۷، ملحقات، ب ۱
- شـ(جـ) ۱، ص ۴ و ۸۳، ب ۱۴۳ و ۸۶
- ۱- د، خ، م ح، ج: «و» افرون دارند.
- ۲- د، خ، م ح، ج: پیوند.
- ۳- ک، د، م ح، ج: همانا که چیزی نباشد بنیز.

این ابیات در چاپ مسکو جزء ابیات الحاقی آمده است، وجود آنها در نسخ مختلف شاهنامه و چاپ خالقی اصالت آنها را از فردوسی اثبات می کند.

۹/۴- گر از کس^۱ دل شاه کین آورد همه رخنه در داد و دین آورد
رح: ص ۱۷۸، س ۱۳ شـ(خـ) ۶، ص ۳۳۹، حاشیه ۱۱ به نقل از: ک، پ، ب.
شـ(دـ) ۳۰، ۶۴۹ شـ(م حـ) ۷، ص ۲۵۴، حاشیه ۲۳؛ خ ۱، خ ۲

۱- د، خ، م ح: اگر زو ۲- خ: همی، خ ۱: همه

این بیت قطعاً از شاهنامه است، زیرا با بیت بعد پشت سر هم در راحة الصّدّور و شاهنامه آمده است. بعید است کسی تصور کند برای اولین بار راوندی آن را ساخته و بعد از او وارد شاهنامه شده، یا قبل از راوندی نسخه برداری آن را ساخته و راوندی از آن استفاده کرده باشد. ضمناً در ص ۲۹۳، س ۲ راحة الصّدّور نیز عیناً تکرار شده است.

۱۰. ابیاتی که اختلاف نسخ ایجاد مشکل نمی کند و غالباً واضح نبودن خط اختلاف ایجاد کرده است:

- ۱۰/۱- بدین^۱ سان رود آفتاب سپهر به یک دست شمشیر و یک دست مهر
۱۰/۲- نه بخشایش آرد به هنگام خشم نه خشم آیدش روز بخشش به چشم
- شـ(خـ) ۷۵، ص ۱۴۵، ب ۷۴۰ و ۷۴۱ رح: ص ۱۷۶، س ۱۶-۱۵
- شـ(م حـ) ۸، ص ۹۵، ب ۷۲۸-۷۲۷ شـ(دـ) ۴۱، ۷۳۴-۷۳۳
- ۱- خ، م ح: بین؛ ق، ل، خ ۱: بدین
- ابیاتی از این دست در نسخ مختلف شاهنامه فراوان است که در پاره‌ای از موارد ایجاد مشکل کرده است.

نتیجه

شاهنامه شاهکاری است که از روزگار شاعر مورد توجه اکثر نویسندهای شاعران بوده و بر بسیاری از آثار بعد از خود تأثیر نهاده است. راحة الصدور که جزء کتاب های تاریخی- ادبی حدود دو قرن بعد از شاهنامه است، تا روزگار خود، نه تنها در نقل ابیات شاهنامه بلکه در سروden ابیاتی بر وزن و مضمون آن ها بیشترین اثرپذیری را از شاهنامه داشته است. راوندی، مورخ و شاعر قرن ششم و اوایل قرن هفتم به طور غیر مستقیم با نقل پانصد و نود و چهار بیت از شاهنامه در راحة الصدور، خدمت بزرگی به تصحیح شاهنامه نموده که جا دارد شاهنامه شناسان بزرگ روزگار ما مخصوصاً کسانی که در حوزه تصحیح شاهنامه فعالیت دارند، از این رهگذر به ابیات مذکور در راحه الصدور توجه ویژه داشته باشند.

راوندی، به استثنای ابیاتی که جنبه مثلی دارند، بدون تردید سایر ابیات شاهنامه را از روی یادداشتی که قبلاً از شاهنامه تهیه کرده بود، نوشته است. با وجود تقارن بسیار بین متن ابیات راحة الصدور با نسخه فلورانس و چاپ خالقی مطلق، تفاوت های موجود مبین آن است نسخه موجود استفاده راوندی با موارد یاد شده یکی نبوده است.

پی نوشت

۱- قدیمی ترین نسخه موجود شاهنامه در حال حاضر شاهنامه، نسخه موزه فلورانس ایتالیا (مورخ ۶۱۴ هـ. ق.) است که دکتر عزیز الله جوینی به چاپ آن همت گماشته است.

منابع

- بهمنی مطلق، یدالله (۱۳۷۴)، *تأثیر شاهنامه بر راحه الصدور و ارزش راحه الصدور در تصحیح شاهنامه*، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- جوینی، عزیز الله، ۱۳۷۵، *شاهنامه فردوسی*، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران، ج اول.
- _____، ۱۳۸۵، *شاهنامه فردوسی*، ج ۲، انتشارات دانشگاه تهران، ج دوم.
- _____، ۱۳۸۸، *شاهنامه فردوسی*، ج ۳، انتشارات دانشگاه تهران، ج سوم.
- _____، ۱۳۸۷، *شاهنامه فردوسی*، ج ۵، انتشارات دانشگاه تهران، ج اول.
- حمیدیان، سعید (۱۳۷۳) *شاهنامه فردوسی (از روی چاپ مسکو)*، انتشارات قطره، ج اول.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۶)، *شاهنامه ابوالقاسم فردوسی*، ۸ ج، مرکز دایرہ المعارف بزرگ اسلامی، ج اول.
- دبیر سیاقی، محمد (۱۳۴۴) *شاهنامه فردوسی*، موسسه مطبوعاتی علمی، ج دوم.
- _____ (۱۳۴۸) *کشف الابیات شاهنامه فردوسی* (۲ جلد)، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان (۱۳۶۴) *راحه الصدور و آیه السرور*، به تصحیح محمد اقبال، انتشارات امیر کبیر، ج دوم.
- زنجانی، برات (۱۳۷۹) «شانه های دیگر در اصالت شاهنامه فلورانس»، نامه بهارستان، دفتر ۹-۱۰، بهار و زمستان ۱۳۸۳.
- شعار، جعفر (۱۳۷۳)، *رزنامه رستم و اسفندیار*، انتشارات قطره، ج چهاردهم.
- صفا، ذبیح الله، ۱۳۷۲، *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۱، انتشارات فردوس، ج دوازدهم.
- نوشین، عبدالحسین (۱۳۶۹) *واژه نامک*، انتشارات دنیا، ج سوم.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۴)، *گلستان سعدی*، انتشارات خوارزمی، ج چهارم.